



● خبر مسرت‌بخش اعلام رضایت و گذشت اولیای دم بابک نسبیت به پوران رضایی و اقدام شرافتمندانه‌ی و ارزشمند آنها در اسقاط حق احتمالی مطالبه قصاص یا دیه، نه تنها موجب شادمانی پوران، دوستان و بستگان او شد، بلکه بارقهٔ امید و شادانی را در دل و ذهن تمام انسان‌هایی افروخت که دغدغه‌ای جز اجرای عدالت و قانونمندی و نیز جایگزینی و ترجیح فرهنگ عفو و گذشت بر اقدامات مبتنی بر کینه و عداوت و انتقام ندارند. لازم به ذکر است رجحان و برتری اقدام اولیای دم در کلیه پرونده‌های مشابه راجع به عفو متهمان به قتل عمد یا محکومان به قصاص نفس، مقوله‌ای نیست که صرفاً از منظر اخلاق، احساس و انسانیّت قابل تقدیر و ستایش باشد، بلکه مساله عفو و گذشت، از دیدگاه حقوقی، کیفرشناسی و جرم‌شناسی نیز امری پسندیده و ممدوح است و تأثیر مبدایی و موضوعی و آثار کاربردی آن در اصلاح مجرمان و پیشگیری از وقوع جرم، بسیار بیشتر و عمیق‌تر از اعمال متقابل و اقدام به قصاص و مقابله به مثل است. دلیل اثبات ادعای موصوف نیز صراحت و ظهور آیات بینات و روایات وارده و سیره حسنه نبوی(ص) و امامان معصوم(ع) است. حقوق کیفری ما به‌ویژه در حوزه حدود و قصاص، بر پایه اصول و فروع دین اسلام و مذهب تشیع بنا شده است که در عین حال اقدام به عفو و گذشت را به عنوان عمل خیر و صواب و دارای ارزش و راهکار قصاص به عنوان حقیّی و مجاب و محدود، برتر و ارج دانسته است و بر همین اساس است که در آیه۴۵: «سوره مائده آمده است هر کس از قصاص بگذرد، این گذشتن و عفو، کفاره گناهان اوست و نیز فرموده است هر کس نفسی را حیات بخشد مانند این است که تمام انسان‌ها را زندگی بخشیده است و پیامبر رحمت نیز فرمود: بر شما واجب است که ببخشید و بگذرید چرا که بخشش و گذشت، عزت بندگان را زیاد می‌کند، پس ببخشید که خدا شما را عزیز گرداند و نیز فرمود هر کس در هنگام قدرت و توانایی ببخشد و بگذرد خدا در روز لغزش (قیامت) او را خواهد بخشید و امام علی(ع) فرمود عفو و گذشت، تاج مکارم و خوبی‌هاست. بنابراین بسیار متصفانه و بجاست که از متولیان امر قانون و قضا و اجرا بخواهیم که بر پایه اصول و متون فقهی که منبع و مبنای وضع و قوانین جزایی و روش دادرسی کیفری ما قرار گرفته است، نسبیت به اصلاح مقررات مربوطه و فراموش کردن زمینه عملی ترجیح عفو و گذشت بر مقابله به مثل و قصاص، اقدام کنند به این امید که با گسترش عمومی فرهنگ بخشش و سوق و هدایت مردم به مهربانی‌کردن به یکدیگر و نهاده‌نشدن عفو و گذشت بر جامعه و نیز در متن قوانین موضوعه، گامی به سوی بسط عدالت و تلطیف فضای معنوی و روانی اجتماع و جلوگیری از وقوع جرایم گوناگون و پیشگیری از تعدد و تکرار آنها، برداشته شود.



شرق: سه سارق که در پوشش مسافربز از مسافران سرقت می‌کردند، با تیزهوشی یکی از شهروندان به دام افتادند. سرگرد ارسلان قاسم زاده، رئیس کلانتری ونک، گفت: «با اعلام شکایت تعدادی از شهروندان درخصوص زورگیری توسط راننده و دو سرنشین خودرو سواری، دستگیری این متهمان در دستور کار مأموران قرار گرفت». سرگرد قاسم‌زاده، افزود: «با توزیع راکت‌های آموزشی و هشدار ی در میان شهروندان و همچنین برگزاری جلسات با مأموران نوایر تجسس کلانتری و همچنین هماهنگی با مأموران برای شناسایی و راندگی این محدوده، اقدامات وی اظهار کرد: «این اقدامات و تحقیقات ادامه داشت تا اینکه متهمان مجدداً اقدام به سرقت و زورگیری از شهروندی در محدوده ملاصدرا کردند اما زمانی که مالباخته را از خودرو بیرون نداشتند، او با تیزهوشی و حفظ خونسردی مشخصات چهره و همچنین پلاک خودرو متهمان را که سعی کرده بودند شماره‌های آن را تغییر بدهند، یادداشت کرد. رئیس کلانتری ۱۴۵ دامه داد: «با مراجعه مالباخته به کلانتری و ارائه مشخصات و همچنین پلاک، تحقیقات در مسیری جدید قرار گرفت و مأموران با کمی بررسی کارشناسانه روی تغییرات پلاک خودرو، موفق شدند پلاک اصلی خودرو را کشف و برای بازداشت متهمان اقدام کنند. این مقام انتظامی تصریح کرد: «با شناسایی خودرو، نام مالک آن را مرکز کنترل پلیس راهنمایی و راندگی تهران بزرگ استعلام شد که متعاقب آن مالک خودرو شناسایی و در همان روز طی یک تعقیب‌و‌گریز نه‌چندان طولانی در محدوده میدان ونک، خودرو متوقف و هر سه سرنشین آن که در حال پرسرزدی برای شناسایی سوزه جدید بودند، بازداشت شدند. وی گفت: «شناسایی متهم طی بازجویی‌های انجام‌شده در کلانتری به سرقت با خودرو خود اعتراف کرده و اذعان داشتند که تحت پوشش مسافربز اقدام به سرقت از شهروندان می‌کنند و این در حالی بود که در تحقیقات بیشتر به چهار فقره سرقت دیگر نیز به این روش اعتراف کردند.

شرق: مردی که با همدستی برادر همسرش، پسر دایی او را به قتل رسانده و جسدش را به آتش کشیده بود، در دادگاه حاضر نشد جزئیات قتل را شرح بدهد و فقط گفت اتهاماتش را قبول دارد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد که جمشید نام دارد متهم است ۱۴ خرداد سال گذشته جوانی به نام حامد را که پسر دایی همسرش بود، به قتل رسانده و جسدش را آتش زده است. شامردادی نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه دادگاه در جایگاه حاضر شد و گفت: متهمان که حسن و جمشید نام دارند، متهم هستند بعد از ربودن جوانی به نام حامد او را با ضربه قمه به قتل رسانده و جسدش را به آتش کشیده و میان زباله‌های دره‌قلعه هشتگرد رها کرده‌اند. این دو، متهم به مشارکت در قتل و آدم‌ربایی هستند، البته جمشید متهم به جنایت بر میت نیز هست، بنابراین به عنوان نماینده دادستان درخواست صدور حکم قانونی را دارم. در ادامه حسن متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. او اتهامش را قبول کرد و گفت: جمشید با من تماس گرفت و گفت حامد پسر دایی‌ام به خواهرم تجاوز کرده‌است. جمشید شوهر خواهرم است. او به من گفت می‌خواهد با حامد برخورد کند و از من خواست همراهی‌اش کنم، من هم قبول کردم نمی‌دانستم می‌خواهد کسی را بکشد. فکر می‌کردم قرار است او را کتک بزنند. آن زمان ۱۹ سال بیشتر نداشتم.

شرق: پوران رضایی، زنی که مدعی است در دفاع از دخترش پسر جوانی را به قتل رسانده است صبح دیروز موفق شد رضایت اولیای دم مقتول را جلب کند.

پوران که زنی میانسال و ساکن ارستانج است دو سال قبل پسری به نام بابک را با ضربه چاقو به قتل رساند. او در دفاع از خود گفت: «مقتول قبلاً مزاحم دخترم شده و صبح روز حادثه نیز در غیاب من به خانه رفته و با دخترم رابطه برقرار کرده بود. زمان حادثه او قصد داشت به زور وارد خانه شود اما من جلویش را گرفتم و در جریان کشمکش چاقویی که از قبل دستم بود و با آن سبزی خرد می‌کردم، به بابک خورد. من خودم این پسر را به بیمارستان رساندم اما در آنجا جان باخت.» پوران در جریان تحقیقات تأکید کرد به هیچ‌وجه قصد قتل نداشت و فقط می‌خواست از دخترش دفاع کند. با وجود این وی بعد از محاکمه در دادگاه کیفری استان فارس به قصاص محکوم شد پس از آن قضات دیوانعالی کشور رای صادرشده را نقض کردند و قضات جدید پرونده، عمل پوران را از مصادیق دفاع مشروع دانستند و وی را از قتل عمدی تبرئه کردند اما این دفعه دیوانعالی کشور حکم تبرئه را نقض کرد و سرنوشت پوران به دست سومین هیات قضایی سپرده شد. قضات روز ۱۹ فروردین امسال تشکیل جلسه دادند اما پیش از شروع دادرسی اعلام کردند به دلیل دو ماه فرصت می‌دهند تا رضایت اولیای دم مقتول را جلب کند از آن پس رازینی‌ها آغاز شد و پدر و مادر بابک سرانجام صبح دیروز با حضور در دفتر اسناد رسمی رضایت‌نامه را امضا کردند به‌این ترتیب پوران از قصاص احتمالی، نجات یافت. او باید روز هشتم تیر پای میز محاکمه برود تا پرونده‌اش

با هم به خانه حامد در کیان شهر کرج رفتیم. جمشید به حامد پیشنهاد داد با هم به کرامشاه برویم اما حامد قبول نکرد و گفت کار دارد، جمشید اصرار کرد و او را سوار ماشین کردیم، در راه دو نفر دیگر را هم سوار کردیم، آنها پدر و پسری بودند که با جمشید دوست بودند. پنج نفری به سمت هشتگرد رفتیم. در آنجا جمشید ماشین را نگه داشت و حامد را پیاده کرد و تا جایی که می‌توانست او را کتک زد. بعد سر من فریاد زد و گفت پیاده شو و بیا، من هم ترسیدم و پیاده شدم شمشیر را به من داد، دو ضربه به کتفش زدم چون خیلی ترسیده بودم، دیگر ادامه ندادم و شمشیر را به جمشید پس دادم. حامد غرق در خون روی زمین افتاد، جمشید از من خواست بنزین بیاورم حامد مرده بود دیگر نفس نداشت. گفت بنزین را روی حامد بریز، این کار را نکردم. خودش بطری را از من گرفت و روی حامد خالی کرد و او را میان زباله‌ها به آتش کشید. بعد هم سوار ماشین شدیم و فرار کردیم. متهم گفت: من خیلی

پیش از آغاز رسیدگی مجدد به پرونده زن متهم به قتل پوران از اولیای دم مقتول رضایت گرفت

ابتدا مورد رسیدگی مجدد قرار بگیرد. پوران دیروز بعد از دریافت رضایت به خبرنگار ما گفت: «هنوز نتیجه دادگاه معلوم نیست اما من از اولیای دم به دلیل اعلام رضایت بسیار تشکر می‌کنم. همین‌طور از قضات شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران نیز که به من دو ماه مهلت دادند سپاسگزار هستم.»

پرونده قدیمی ترین زن متهم به قتل در همین حال قدیمی‌ترین زندانی زن پس از نقض هشتمین حکم قصاصش، ۱۶ تیر امسال دوباره محاکمه می‌شود. رسیدگی به این پرونده از سال ۷۲ آغاز شد و با گذشت ۲۰ سال هنوز به نتیجه نرسیده است. مأموران پلیس، تیر ماه سال ۷۲ با دریافت خبر مرگ مشکوک مرد جوانی به نام مجید - در یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران - با دستور قاضی کشیک ویژه قتل به تحقیق در این باره پرداختند تا اینکه فاطمه - ۵۳ساله - فردی که آخرین بار مقتول به خلغاش رفته بود پس از دستگیری گفت مجید را با خوردن دوغ مسموم به سم گیاهی به قتل رسانده است. چند نفر

حوادث

برادر و شوهر زن جوان همدستی کردند

جنایت با ادعای تجاوز

جوان بودم و نمی‌توانستم در برابر خواسته‌های جمشید مقاومت کنم. او مرا وادار به آدم‌ربایی و قتل کرد. بعد از قتل به سراغ خواهرم رفتم می‌خواستم مطمئن شوم حامد به او تجاوز کرده است. او به من گفت وقتی پدرمان به دلیل سکنه قلبی در بیمارستان بود، حامد به خانغاش رفت و او را مورد آزار قرار داد و همان موقع شوهرش موضوع را فهمید. در ادامه جمشید متهم ردیف دوم در جایگاه قرار گرفت، او حاضر نشد جزئیات قتل را شرح دهد و گفت هرچه در بازسازی صحنه توضیح داده قبول دارد و حرف دیگری برای گفتن ندارد. متهم در برابر خواسته قضات مبنی بر اینکه خودش واقعیت را بگوید، مقاومت کرد و گفت این کار را نمی‌کند. در این هنگام قاضی از متهم پرسید: زمانی که بازداشت شدی موضوع تجاوز به همسررت را انکار کردی و گفتی چون حامد گفته بود به یک خواهر و برادر ۱۲ ساله تجاوز کرده‌است او را به قتل رساندی، آیا این ادعا درست است؟ متهم یکبار دیگر سکوت کرد و حاضر نشد جزئیات را توضیح

از اعضای خانواده و بستگان متهم نیز در تحقیقات قضایی، علیه اتهام قتل تیرماه ۱۳۸۷ در دیهات دادند. این در حالی بود که متهم در جلسات بازجویی منکر قتل شد و خود را بیگناه خواند. فاطمه در جلسه دادگاه نیز قتل را انکار کرد و گفت از ماجرای مرگ مجید چیزی نمی‌داند. او ادعا کرد، وقتی مأموران سراغ من و همسر آمدند شوهرم از من خواست اعتراف کنم. او گفت برایم رضایت می‌گیرد ولی این کار را نکرد و حالا می‌خواهم واقعیت را بگویم، من در این قتل بی‌گناه هستم.

قاضی دادگاه اظهارات فاطمه را قبول نکرد و با توجه به اعترافات اولیه این زن، برای او حکم قصاص صادر کرد. در این بین اولیای دم مقتول نیز که فاطمه را گناهکار می‌دانستند حاضر به اعلام گذشت نشدند در حالی که فاطمه خود را در یک قمی انعام می‌دید خبر رسید دیوانعالی کشور حکم قصاص وی را تأیید نکرده است. به‌این ترتیب فاطمه بار دیگر پای میز محاکمه رفت و این بار که به مراسم قسامه کشید در پایان این مراسم، باز حکم مرگ برای زن

بدهد و گفت هرچه در بازسازی صحنه گفته درست است و قضات می‌توانند آن فیلم را ببینند.

سپس وکیل مدافع حسن در جایگاه حاضر شد، او گفت: موکلم تحت تأثیر گفته‌های شوهر خواهرش با او در این جنایت همراهی کرد و آن‌طور که خودش بارها عنوان کرده از اینکه قرار بود حامد کشته شود، خبر نداشت. حسن در تمام مراحل بازجویی و محاکمه جزئیات را به‌دقت توضیح داده و همکاری او با تیم پلیس در حدی بود که اگر او واقعیت‌ها را نمی‌گفت، بعید به نظر می‌رسید راز این قتل افشا یا جسد کشف می‌شد. همان‌طور که در پرونده بازتاب داده شده است، حسن موضوع قتل حامد را برای دایی بزرگش تعریف کرده، او هم موضوع را به برادرش یعنی پدرحامد گفته و این‌طور موضوع برعلا شده است. حسن با دایی‌اش و مأموران پلیس همراهی کرده تا جسد کشف شود و جزئیات را به طور کامل بیان کرده است. با توجه به همکاری گسترده موکلم در خواست دارم در مجازات او تخفیف قابل شوید. سپس وکیل مدافع جمشید در جایگاه حاضر شد و گفت درخواست دارد متهمان دیگر که متواری هستند بازداشت شوند و اعترافات آنها هم شنیده شود، چرا که به نظر می‌رسد هنوز همه چیز مشخص نیست. با پایان یافتن جلسه دادگاه قضات شعبه ۲۱ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

میانسال صادر و این رای بار دیگر نقض شد. فاطمه در دور سوم محاکمات نیز به قصاص محکوم شد اما این بار هم دیوانعالی کشور به رای صادرشده ایرادهایی گرفت و پرونده باز هم به دادگاه برگشت. فاطمه که در تمامی این محاکمه‌ها ادعای بی‌گناهی می‌کرد این بار انگشت اتهام را به‌سوی شوهر و برادرشوهرش گرفت و گفت روز حادثه آن دو با مجید در خانه تنها بودند. محاکمه چهارم به نفع فاطمه تمام و او از اتهام قتل تبرئه و اعترافات آنها هم شنیده شود، چرا مقتول به رای صادر شده اعتراض کردند و دیوانعالی کشور بعد از بررسی پرونده حکم را نقض کرد. از اسفند سال ۸۷ پنجمین دور محاکمات قدیمی‌ترین زندانی آغاز شد و فاطمه یکبار دیگر به زندان رفت. او این بار هم همان حرف‌های همیشگی‌اش را تکرار کرد اما برای چهارمین بار به قصاص محکوم شد و دیوانعالی کشور باز هم رای را ابرام نکرد. این روند ادامه داشت تا اینکه آخرین بار پرونده برای محاکمه به شعبه ۱۰۵ دادگاه شهری فرستاده شد. قاضی پس از چند جلسه محاکمه، فاطمه را به قصاص محکوم کرد.

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل قدیمی ترین زندانی زن در این باره گفت: پس از صدور هشتمین حکم قصاص برای فاطمه، به رای صادرشده اعتراض کردم که قضات دیوانعالی کشور، حکم را نقض کرده و آن را برای رسیدگی دوباره به دادگاه بازگرداندند.

وی افزود: پرونده هم‌اکنون برای رسیدگی به شعبه ۱۰۶ دادگاه جزایی شهر ی فرستاده شده است و نخستین جلسه دادگاه ۱۶ تیر امسال برگزار می‌شود.



سرقت، زورگیری، تهدید، ضرب و جرح و... قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود برای شناسایی متهمان و طرح و پیگیری شکایات خود به پایگاه چهارم پلیس آگاهی مراجعه کنند.»



آتش‌سوزی انبار کارت و روغن سوخته خودرو در شهری با تلاش آتش‌نشنان سه ایستگاه مهار و خاموش شد. این حادثه ساعت ۲۱:۴۷ جمعه رخ داد و انباری به مساحت ۴۰۰مترمربع، کاملاً شعله‌ور شد که با توجه به وزش باد و شعله‌وری زیاد، امکان سرایت آتش‌سوزی به انبارهای مجاور وجود داشت. آتش‌نشنان بی‌درنگ اقدام به ایمن‌سازی محل و قطع برق کردند و با استفاده از چند رشته لوله آبدهی از جهات مختلف به سوی شعله‌های آتش هجوم بردند و آتش‌سوزی را قبل از سرایت به قسمت‌های دیگر مهار و خاموش کردند.

عکس: مهدی دانه‌چین



● ایستار: زنی در اقدام جنون‌آمیز دو دختر خردسالش را به قتل رساند. وقوع قتل دو دختر خردسال در یکی از روزهای پایانی فروردین ماه به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اطلاع داده شد و به دنبال آن مأموران به محل حادثه در یکی از محلات شهر رشت اعزام شدند. پس از حضور مأموران در محل، تحقیقات آنان برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت هولناک آغاز شد و آنان در بررسی‌های اولیه متوجه شدند دو کودک خردسال به قتل رسیده «پلار» ۷/۵ساله و «پلده» پنج ساله نام دارند و پدرشان از مدتی قبل به دلیل متواری شدن از صحنه تصادف منجر به فوت و همچنین سرقت در استان مازندران دستگیر شده و فرزندان خود را به مادرشان سپرده است. مأموران در کمتر از دو ساعت مادر دو کودک به قتل رسیده را در حالی که از ناحیه رگ دست خودزنی کرده بود، دستگیر و تحقیقات از وی را آغاز کردند. این زن در بازجویی‌ها، راز جانیی هولناک را فاش کرد و مدعی شد در منزل پدرشوهرش اینتا زمانی که یکی از فرزندانش در خواب بود با گذاشتن دستمالی به روی دهانش، وی را خفه کرد و پس از آن نیز فرزند دیگرش را در اقدامی مشابه به قتل رساند. متهم، انگیزه‌اش از ارتکاب این جنایت را تاراجاتی روحی و روانی عنوان کرد.

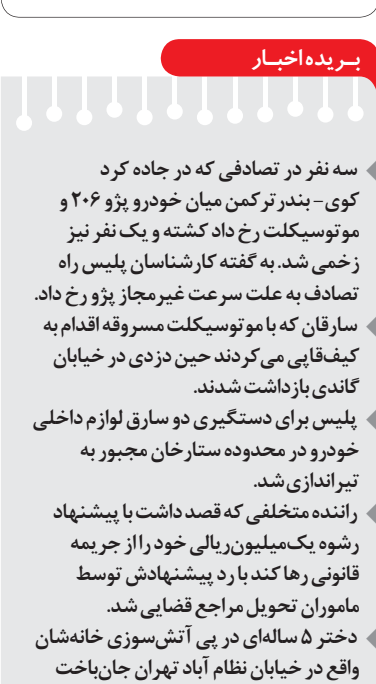
سرقت ۳۵ موتورسیکلت با آیمیه مسموم

● شرق: سارق حرفه‌ای بعد از دستگیری به ۳۵ فقره سرقت با روش تعارف آیمیه مسموم اعتراف کرد. سرگرد ایرج ارسلانی، رئیس کلانتری گلبرگ، در این باره گفت: «مدتی پیش یکی از شهروندان به کلانتری مراجعه و اعلام کرد با موتورسیکلت خودش شناسایی می‌کرد که یکی از مسافرانش که او پیشنهاد خوردن آیمیه داد. او نیز با خوردن آیمیه بهوش شد و زمانی که به هوش آمد متوجه شد وسیله نقلیه و پول‌هایش به سرقت رفته است. رئیس کلانتری گلبرگ افزود: «مأموران برای بررسی موضوع وارد عمل شدند و ضمن دریافت جزئیات متهم و همچنین وضعیت ظاهری وی، به گذشت‌نی بازداشتن تأییدکه این فرد را کنار خیابان به انتظار موتورسیکلتی دیگر بود، شناسایی و دستگیر کردند. وی اظهار داشت: «متهم در بازجویی‌های انجام‌شده اظهار داشت در محدوده تهرانپارس پرسه می‌زد و تحت‌عنوان مسافر با موتورسواران مسافربز طرح دوستی می‌ریخت و در فرصتی مناسب به آنها آیمیه مسموم تعارف می‌کرد و زمانی که طعم‌هایش بی‌هوش می‌شدند وجوه نقد و موتورسیکلت آنها را به سرقت می‌برد. سرگرد ارسلانی اضافه کرد: «متهم از ابتدای اس ۹۲ تاکنون حدود ۳۰الی ۳۵ مرتبه در سراه تهرانپارس اقدام به سرقت کرده و اموال مسروقه را پس از اوراق کردن فروخته است.

اعدام ۴ قاچاقچی در کرمان
● پلیس خبر: چهار قاچاقچی موادمخدر در محوطه زندان کرمان به‌دار آویخته شدند. مشارکت در قاچاق مسلحانه ۲۳۲ کیلوگرم تریاک و ۲۴۳ کیلو کرک، جرم دو نفر از افرادی بود که حکم آنها روز جمعه به اجرا درآمد. دو اعدامی دیگر، جرم حمل و قاچاق مسلحانه ۱۸۸ کیلو کرک را در پرونده خود داشتند.



● شرق: فردی مجرم که با فروش سه مجسمه برجی و تقلبی ۳۰میلیون تومان از شهروندی دریافت کرده بود و قصد داشت ۶۰میلیون تومان دیگر نیز کلاهبرداری کند، دستگیر شد. سرهنگ سعید سلیمانی سرپرست پلیس آگاهی استان اصفهان در این رابطه توضیح داد: در پی شکایت مردی مبنی بر اینکه فردی ناشناس از وی کلاهبرداری مبلغ ۳۰میلیون تومان وجه نقد دریافت کرده و متواری شده است، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. این مقام انتظامی افزود: فرد کلاهبردار با لجه خاص با مالباخته تماس گرفته و اعلام کرده بود حین کندن قنات در یکی از استان‌های همجوار گنجی حاوی سه مجسمه عتیقه پیدا کرده و حاضر به فروش آن به مبلغ ۳۰میلیون تومان است. «سرهنگ سلیمیان» عنوان داشت: کارآگاهان با انجام تحقیقات ویژه متهم را در حالی که قصد داشت فروش مجسمه‌های دیگر را از پیش ۶۰میلیون تومان بفروشد، دستگیر کردند. این مقام انتظامی اظهار داشت: متهم ۹۱ساله در ابتدا منکر هرگونه بزه‌ی شد ولی در ادامه با مواجهه حضوری مالباخته به جرم ارتكایی خود اقرار کرد و با صدور قرار قانونی روانه زندان شد.



دختر ۵ ساله‌ای در پی آتش‌سوزی خانه‌شان واقع در خیابان نظام آباد تهران جان‌باخت